

## 93866 - اگر روزه‌دار به سبب ندانستن حکم یا ندانستن وقت، کاری انجام دهد که باطل کننده‌ی روزه

است

سوال

شما به سوال شماره‌ی (80425) را خواندم. من نیز دقیقا همین مشکل برادر سوال‌کننده را داشتم، اما تفاوت من با ایشان در این بود که وقتی غذا به گلویم می‌رسید به این گمان که این کار روزه را باطل نمی‌کنم آن را برمی‌گرداندم چون به اشتباه گمان می‌کردم از آنجایی که این غذا از معده آمده پس برگرداندنش به جای اولش اشکالی ندارد. اما بعدا خواندم که باید روزه‌هایم را قضا کنم ولی مشکل این است که تعداد روزهایی که این کار را کرده‌ام به یاد ندارم زیرا مدتی از آن گذشته و الان این عادت را ترک کرده‌ام. الان باید چکار کنم؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

تا وقتی که نمی‌دانسته‌اید فرو کردن این غذا باعث بطلان روزه است، لازم نیست قضای آن را به جای آورید، زیرا بر اساس قول صحیح ندانستن باطل کننده‌ها عذر است.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «باطل کننده‌هایی که به اختیار انسان است روزه را باطل نمی‌کند مگر به سه شرط: شرط اول این است که انسان نسبت به آن عالم باشد، و برعکس عالم جاهل است.

یعنی اگر انسان [در حال روزه] غذا بخورد در حالی که نسبت به حکم آن جاهل باشد قضایی ندارد. جهل بر دو نوع است:

۱- جهل نسبت به حکم: مثل اینکه انسان به عمد استفراغ کند ولی نداند که استفراغ باعث باطل شدن روزه است. او لازم نیست قضا کند زیرا جاهل است. دلیل آنکه جاهل به حکم روزه‌اش باطل نیست حدیثی است از عدی بن حاتم - رضی الله عنه - که در صحیحین روایت شده مبنی بر اینکه ایشان دو **عقال** (زانوبند شتر) را زیر بالش خود گذاشته بود که یکی سیاه و دیگری سفید بود و به آنان نگاه می‌کرد و هرگاه می‌توانست سفید را از سیاه تشخیص دهد دست از خوردن و نوشیدن می‌کشید. فردایش وقتی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رفت و ایشان را از کارش آگاه کرد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: **چه بالش وسیعی داری که ریسمان سفید و سیاه را جای داده است! منظور سفیدی روز و سیاهی شب است** (اشاره به آیه‌ی ۱۸۷ سوره‌ی بقره) و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به وی دستور نداد که روزه‌اش را قضا کند، زیرا

وی نسبت به معنای آیه‌ی کریمه جاهل بود.

۲- جهل نسبت به وقت: مثلا انسان به گمان آنکه هنوز فجر نشده بخورد و بعدا متوجه شود که فجر طلوع کرده است. برای چنین کسی قضا لازم نیست، و مانند کسی که در پایان روز به گمان آنکه خورشید غروب کرده افطار کند و سپس برایش ثابت شود که خورشید غروب نکرده است. این نیز نیازی به قضا ندارد، به دلیل روایت بخاری از اسماء دختر ابوبکر - رضی الله عنهما - که گفت: **در دوران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در یک روز ابری افطار کردیم سپس خورشید [از پشت ابرها] خارج شد** وجه دلالت در این حدیث اینجاست که اگر روزه‌شان باطل شده بود باید حتما قضایش را به جای می‌آوردند و اگر قضا واجب بود پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این را به آنان می‌گفت و اگر چنین چیزی به آنان گفته بود بدون شک آن را به من نقل می‌کردند زیرا این کار از روی حفظ شریعت است. پس از آن جایی که این مساله را به ما نقل نکرده‌اند دانسته می‌شود که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنان را به قضا امر نکرده و چون به آنان چنین دستوری نداده دانسته می‌شود که روزه فاسد نشده است و در این حالت قضایی واجب نیست. اما برای انسان واجب است که هر گاه دانست دست از خوردن و نوشیدن بکشد، حتی اگر لقمه در دهانش بود واجب است آن را بیرون آورد»

از مجموع فتاوی شیخ ابن عثیمین (۱۹/۱۱۶) با اندکی تغییر و تصرف.

سپس شیخ به بیان شروط دوم و سوم پرداخته‌اند که چنین است: اینکه یادش باشد (از روی فراموشی نباشد) و سوم اینکه از روی اختیارش باشد (نه از روی اجبار).

بنابراین نیازی نیست قضای این روزه‌ها را به جای آورید.

والله اعلم